

پیش‌بینی حسادت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های خودمتمایزسازی و سبک‌های دلبستگی

Predicting Marital Jealousy Based on Self-Differentiation Components and Attachment Styles

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.18.3.535>

H. FalahZadeh, Ph.D.

Department of Clinical & Health Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

M. Asaadi, Ph.D.

Department of Psychology, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.

V. Mostafa, M. A.

Department of Clinical & Health Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

O. Hamidi, Ph.D.

Department of counseling, Shahid Chamran university of Ahvaz, Ahvaz, Iran

دکتر هاجر فلاح‌زاده

گروه روان‌شناسی بالینی و سلامت، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر مهران اسعدی

گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

وفا مصطفی

گروه روان‌شناسی بالینی و سلامت، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر امید حمیدی ✉

گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۷/۱۵

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۱/۴/۲۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۷/۳

Abstract

Marriage is one of the most important experiences in a person's life and major variables affect its quality. Because of this, this study was conducted to predict marital jealousy based on self-differentiation components and attachment styles. This is a descriptive correlational study.

✉ Corresponding author: Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran university of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
Email: o.hamidi@ymail.com

چکیده

ازدواج یکی از مهم‌ترین تجربی است که در زندگی آدمی رخ می‌دهد و متغیرهای مهمی بر کیفیت آن تأثیرگذارند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی حسادت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های خودمتمایزسازی و سبک‌های دل‌بستگی انجام شد.

✉ نویسنده مسئول: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

پست الکترونیکی: o.hamidi@ymail.com

The statistical population of this study is all married people in 2nd and 5th districts of Tehran in 2020, and 200 of them (121 women and 79 men) were selected by available sampling method who completed the Multidimensional Scale of Marital Jealousy (Pfeiffer & Wong, 1989), Revised Adult Attachment Scale (Collins & Reid, 1990), and Self-Differentiation Questionnaire (Skowron & Friedlander, 1998). The data were analyzed by Pearson Correlation and Regression Analysis. The results of this study showed that Marital Jealousy has a negative relationship with Secure Attachment, and have a positive relationship with Avoidance and Anxiety Attachment. In Self-Differentiation levels, one's position was positively associated with Marital Jealousy, and three other dimensions, namely Emotional Reactivity, Fusion with others, and Emotional Cutoff, were negatively associated with Marital Jealousy. Among Attachment Styles, Anxiety Attachment Style is a significant predictive for the cognitive dimension of Marital Jealousy. It can be concluded that the Marital Jealousy is predictable by the dimensions of Attachment and Self-Differentiation. Therefore, by improving Self-Differentiation and Attachment Styles, negative effects of Marital Jealousy in Couples can be reduced.

Keywords: Attachment Styles, Marital Jealousy, Self-Differentiation.

پژوهش حاضر توصیفی از نوع هم‌بستگی می‌باشد. جامعه آماری شامل افراد متأهل مناطق ۲ و ۵ شهر تهران در سال ۱۳۹۹ می‌باشد که به روش نمونه‌گیری در دسترس، تعداد ۲۰۰ نفر (۱۲۱ زن و ۷۹ مرد) از آن‌ها انتخاب شده و به ابزارهای مقیاس چندبعدی حسادت زناشویی فایفر و وونگ (۱۹۸۹)، مقیاس تجدید نظر شده دل‌بستگی بزرگسالان کولینز و رید (۱۹۹۰) و پرسش‌نامه خودمتمایزسازی اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) پاسخ دادند. پس از اجرای پرسش‌نامه‌ها، اطلاعات جمع‌آوری شده به وسیله شاخص‌های آمار توصیفی و همچنین روش‌های هم‌بستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون، مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین حسادت زناشویی با دل‌بستگی ایمن، هم‌بستگی منفی و با دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی، هم‌بستگی مثبت وجود دارد. همچنین در سطوح خودمتمایزسازی، جایگاه خود با حسادت زناشویی رابطه مثبتی داشت و سه بعد دیگر یعنی واکنش‌پذیری عاطفی، هم‌آمیختگی با دیگران و گریز هیجانی با حسادت زناشویی رابطه منفی داشتند و از بین سبک‌های دل‌بستگی، سبک دل‌بستگی اضطرابی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای بعد شناختی حسادت زناشویی بود. می‌توان نتیجه گرفت که حسادت زناشویی به وسیله ابعاد دل‌بستگی و خودمتمایزسازی قابل‌پیش‌بینی است. بنابراین اقدام در جهت بهبود خودمتمایزسازی و سبک‌های دل‌بستگی می‌تواند باعث کاهش اثرات منفی حسادت زناشویی در زندگی زوجین شود.

کلیدواژه‌ها: حسادت زناشویی، خودمتمایزسازی، سبک‌های دل‌بستگی

مقدمه

حسادت عاشقانه یک هیجان سازگارانه، برای محافظت از فرد در برابر خطر از دست دادن شریک زندگی خود به یک رقیب عشقی است و ممکن است دلیل تکامل و بقای حس حسادت، جلوگیری از خیانت به همسر باشد (مارتینز - لئون، پنا، سالازار، گارسیا و سیریا،^۱ ۲۰۱۷). حسادت دارای ابعاد مثبت و منفی است؛

به‌طوری که مطالعات نشان می‌دهد، حسادت در حالت مثبت منجر به افزایش صمیمیت، تعهد به رابطه و محافظت از همسر می‌شود (نیوبری، ۲۰۱۰)؛ اما زمانی که حسادت تبدیل به یک الگوی مداوم در رابطه گردد، منجر به فرسایش اعتماد و زوال احساسات مثبت در بین زوجین می‌شود (دندوراند و لافونتاین، ۲۰۱۴). حسادت زناشویی^۴ دارای جنبه‌های مختلف هیجانی، شناختی و رفتاری است (اتریج، ۲۰۱۳). هرچند حسادت عاطفی یک تجربه منصفانه مشترک همگانی در برابر تهدید رقبا در روابط می‌باشد، اما حسادت شناختی و رفتاری می‌تواند بیمارگونه باشد. حساس شدن به تهدید رابطه فرد می‌تواند اضطراب قابل‌ملاحظه‌ای در پی داشته باشد. درگیر رفتارهای غیراخلاقی شدن نیز مانند جست‌وجو در وسایل همسر، سطح زیادی از پریشانی و ناراحتی را در فرد ایجاد می‌کند. تداوم حسادت شناختی و رفتاری باعث ایجاد اختلالات وسواسی و اضطرابی می‌شود که با زندگی روزمره فرد تداخل پیدا می‌کند (اوزون، ۲۰۱۹).

همسرآزاری، افسردگی، اقدام به خودکشی و مشکلات زناشویی از جمله رخدادهای پریشان‌کننده مرتبط با حسادت می‌باشد (پیچون، تروز-کاگان، استرن، گیگومبه، استکوا و بولر، ۲۰۲۰). حسادت زناشویی، منجر به پیامدهای منفی، همچون عدم اطمینان به رابطه، سوءظن، دل‌بستگی آشفته و عزت‌نفس پایین در روابط می‌شود (پریولو فیلهو، پادوانی و ویلیامز، ۲۰۱۹). همچنین، این متغیر منجر به کیفیت پایین روابط زناشویی شده و می‌تواند در ایجاد یا گسترش روابط آزارگرانه از قبیل پرخاشگری جسمی و کلامی نقش داشته باشد (کیمر، بولگان و یلدیز، ۲۰۱۶). به‌صورتی که حسادت جنسی انگیزه اولیه برای خشونت نسبت به همسر یا حتی قتل می‌باشد (فرناندز، ۲۰۱۴). پژوهش‌های انجام‌شده نشان‌دهنده ارتباط حسادت زناشویی با رضایت از رابطه (گوررو، ۲۰۱۴؛ هیموان، ۲۰۱۷)، تفاوت‌های جنسیتی، بی‌وفایی، اعتماد دوسویه (کیمر و همکاران، ۲۰۱۶)، رضایت زوجی (دندوراند و لافونتین، ۲۰۱۴)، جنسیت و دل‌بستگی (تاگلر و جنتری، ۲۰۱۱)، صمیمیت و نزدیکی در رابطه (اتریج، ۲۰۱۳)، پاسخ‌های ارتباطی (نظرزاده و احتشام‌زاده، ۲۰۱۴) می‌باشند.

بر این اساس، یکی از متغیرهای مرتبط با حسادت زناشویی می‌تواند خودمتمایزسازی^{۱۴} باشد. توافق عمومی نظریه‌پردازان این است که خودمتمایزسازی، کاربردهای وسیعی در فهم سلامت روان‌شناختی دارد. طبق نظریه سیستمی بوئن،^{۱۵} خودمتمایزسازی، یک ساختار روان‌شناختی بسیار مهم است. در این مفهوم، فرد بدون اینکه توانایی برقراری ارتباط عاطفی با دیگران را از دست بدهد، به‌خوبی به بلوغ عاطفی و استقلال فردی دست یافته است (لاهاو^{۱۶} و همکاران، ۲۰۱۶). به‌عقیده بوئن (۱۹۷۸)، به‌نقل از رودریگز-گونزالز، اسکوران، کاگیگل دی گراجی، مونوز سان روگ،^{۱۷} ۲۰۱۶، افراد گرایش دارند که سبک ارتباطی آموخته‌شده در خانواده مبدأ را در همسرگزینی و سایر روابط مهم تکرار کنند و الگوهای مشابهی را به فرزندان خود انتقال دهند. هرچه هم‌آمیختگی خانواده بیشتر باشد، احتمال اضطراب و بی‌ثباتی بیشتر خواهد بود و تمایل خانواده برای یافتن راه‌حل از طریق جنگ و نزاع، فاصله‌گیری و اختلال در عملکرد بیشتر خواهد شد. مطالعات نشان می‌دهد زوج‌هایی که از سطح خودمتمایزسازی بالاتری برخوردارند، در زندگی زناشویی سازگاری بیشتری دارند و بیشتر به دیگران اعتماد می‌کنند (بیادسی - اشکار و پلگ، ۲۰۱۳) و از کنترل درونی و توانایی بالاتری در ارزیابی دیدگاه دیگران و جداسازی شخصیت خود از رفتار خویش برخوردارند (فاتر و هایس، ۲۰۱۳). افراد تمایز یافته تحت شرایط اضطراب‌زا، به‌آسانی تحت تأثیر دیگران قرار نمی‌گیرند و نشانه آسیب را

بروز نمی‌دهند. اما افراد هم‌آمیخته به‌شدت به تأیید و حمایت اطرافیان خود نیاز دارند و رفتارهایشان تحت تأثیر سیستم عاطفی محیط و واکنش اطرافیان شکل می‌گیرد (سهرابی، اسدی، حبیب‌اللهی و پناه‌علی، ۲۰۱۳). بر اساس نظریهٔ بوئن، خودتمایزسازی در دو بعد درون‌روانی و بین‌فردی رخ می‌دهد؛ در سطح درون‌روانی، تمایز دربرگیرندهٔ توانایی شخص برای به‌کارگیری آزمون متفکرانهٔ موقعیت‌ها، آگاهی کامل از عواطف و هیجانات شخصی و دلایل منطقی یا تجارب مؤثر وابسته به نیازهای موقعیتی است (لامپیس^{۲۰} و همکاران، ۲۰۱۷). پیشینهٔ پژوهشی حاکی از ارتباط خودتمایزسازی با متغیر حسادت است. چنانچه لانس، موسک و یاگیل^{۲۱} (۲۰۱۴) رابطهٔ بین مؤلفه‌های مختلف حسادت زناشویی (عاطفی، شناختی و رفتاری) با خودتمایزسازی را تأیید نمودند. آنان دریافتند که افراد با سطح تمایز یافتگی پایین، دارای سطح بالاتری از حسادت بوده و نیز نشان دادند که زنان نسبت به مردان سطوح بالاتری از برانگیختگی عاطفی را گزارش کردند و تمایل شناختی قوی‌تری برای تفسیر موقعیت‌های مختلف به‌عنوان برانگیزانندهٔ حسادت داشتند. در پژوهشی دیگر نیز لیکنی، ستیث، اسپنسر، وب و پترسون^{۲۲} (۲۰۱۷) با بررسی رابطهٔ تمایز یافتگی و خشونت در روابط صمیمی دریافتند که تمایز یافتگی پیش‌بینی‌کنندهٔ خشونت بر اساس رضایت از رابطه، درگیری زناشویی، حسادت رمانتیک، افسردگی و اضطراب می‌باشد؛ بنابراین، با توجه به مفهوم خودتمایزسازی و میزان پختگی و جداسازی عاطفی فرد، می‌تواند در ارتباط با حسادت زناشویی و ابعاد آن نیز مؤثر باشد. پیشینهٔ پژوهشی نیز مؤید این مهم بود.

از سوی دیگر، پژوهش‌ها حاکی از ارتباط حسادت زناشویی با سبک‌های دلبستگی می‌باشد (گوررو، ۲۰۱۴). بالبی (۱۹۸۰؛ به‌نقل از هولمز،^{۲۳} ۲۰۱۴) بیان می‌کند که روابط کودک با مراقبان (مادر یا جانشین مادر) در سال‌های اولیهٔ زندگی، به تشکیل الگوهای روانی - رفتاری خاصی منجر می‌شود که مبنای ارتباطات بین‌فردی در بزرگسالی است. افراد بر اساس تجربیات خود با مراقبان اولیه، مدل‌های کارآمد درونی معینی را شکل داده و این مدل‌ها بر نوع احساس، افکار، رفتار و تغییر رفتارها و نگرش‌ها در ازدواج و روابط مهم بعدی تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، این روابط می‌تواند هم ارضاکنده باشد و هم عمیقاً به اشخاص درگیر آسیب‌زننده (اینزورث، بلیهار، واترز، وال،^{۲۴} ۲۰۱۵). نتایج پژوهش‌های اشری و ساتون^{۲۵} (۲۰۱۵)، جونز^{۲۶} و همکاران (۲۰۱۴)، دندوراند و لافونتین^{۲۷} (۲۰۱۴)، تاگلر و جنتری (۲۰۱۱) و مارگانسکا^{۲۷} (۲۰۱۳) بر این مسئله تأکید دارد که سبک‌های دلبستگی با نیم‌رخ‌های مختلف هیجانات رابطه دارند. همچنین برخی تحقیقات صورت‌گرفته به‌طور خاص به بررسی رابطهٔ سبک‌های دلبستگی و حسادت پرداخته‌اند. مارازیتی، کانسولی، آلبانسی، لاکویدارا، بارونی و دلوسو^{۲۸} (۲۰۱۰) ابعاد حسادت و سبک‌های دلبستگی را مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که مفاهیم دلبستگی و حسادت درهم‌تنیده‌اند. به‌عنوان مثال، افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی نسبت به افراد ایمن‌نمرات بالاتری را در وسواس، حساسیت بین‌فردی و ترس از دست‌دادن نشان دادند. همچنین، افراد اجتنابی فقط در بعد ترس از دست‌دادن نمرهٔ بالاتری نسبت به افراد ایمن‌گرفتند و نیز نمرهٔ کمتری در بعد عزت‌نفس داشتند. پژوهش مارشال، بیجانیان، دیکاسترو و لی^{۲۹} (۲۰۱۳) که حساسیت‌ها و نظارت‌های افراد نسبت به شریک زندگی را در فضای مجازی بررسی می‌نمود، حاکی از آن بود که سبک‌های دلبستگی ارتباطی معنادار با حسادت دارد. همچنین رودریگز، دیبلو، اووراپ و نیبورز^{۳۰} (۲۰۱۵) دریافتند که دلبستگی اضطرابی ارتباط بین اعتماد و حسادت را تعدیل می‌کند، به‌طوری که افراد مضطرب با

سطوح پایین اعتماد، سطوح بسیار بالاتری از حسادت شناختی و رفتاری را تجربه می‌کنند. علاوه بر این، دلبستگی اضطرابی ارتباط بین اعتماد و خشونت غیر فیزیکی را تعدیل نمود. این نتایج نشان می‌دهد که با تجربه بی‌اعتمادی نسبت به شریک زندگی، افراد مضطرب بیشتر حسادت می‌کنند؛ وسایل شخصی همسر را واری می‌کنند و از نظر روانی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. بر اساس یافته‌های فوق می‌توان گفت که سبک دلبستگی ایمن با هیجانات مثبت رابطه دارد، در حالی که سبک‌های دلبستگی ناایمن با هیجانات منفی ارتباط دارد. کسانی که سبک دلبستگی ایمن دارند، احتمال کمتری دارد تا نسبت به افرادی که سبک دلبستگی ناایمن دارند به افسردگی، خصومت و پرخاشگری مبتلا شوند؛ بنابراین سبک‌های دلبستگی می‌توانند به صورت بالقوه با حسادت زناشویی در ارتباط باشند.

مشکلات زناشویی متعدد، از قبیل مشکلات ارتباطی بین زوج‌ها، کاهش یا فقدان رضایت زناشویی، آمار روزافزون خشونت‌های خانگی علیه همسران و به دنبال آن قتل و همسرکشی و افزایش آمار طلاق، از مهم‌ترین علل مراجعه زوج‌ها به مشاوران و درمانگران خانواده و مراجع انتظامی و دادگاه‌هاست. نظر به اینکه الگوهای اولیه شکل‌گرفته افراد در خانواده اصلی در روابط بعدی، از جمله ازدواج تکرار می‌شود و می‌تواند زمینه را برای بروز مشکلات ارتباطی و زناشویی فراهم کند و ممکن است حسادت زناشویی در شکل‌گیری یا شدت بخشیدن به این تعارض‌ها نقش داشته باشد، لذا پی‌بردن به عوامل مؤثر در شناسایی و پیش‌بینی حسادت زناشویی، حائز اهمیت است. از سوی دیگر، با توجه به اینکه آسیب‌های جدی به رابطه، منجر به ایجاد مشکلات زیادی برای زوج‌ها می‌شود و از طرفی، حسادت زناشویی با ضعف‌های رابطه، از جمله وابستگی عاطفی مرتبط است که احتمال دارد با میزان خودمتمایزسازی و کیفیت شکل‌گیری روابط در طول دوران رشد هر فرد در ارتباط باشد، این سؤالات مطرح می‌شود که آیا سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و اضطرابی) و سطوح خودمتمایزسازی (واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز هیجانی و هم‌آمیختگی با دیگران) با ابعاد حسادت زناشویی (شناختی، عاطفی و رفتاری) رابطه معنی‌داری دارند؟ و هریک از این متغیرها به چه میزان در پیش‌بینی ابعاد حسادت زناشویی (شناختی، عاطفی و رفتاری) نقش دارند؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر توصیفی، از نوع هم‌بستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل همه افراد متأهل ۲۵ تا ۴۵ سال شهر تهران در سال ۱۳۹۹ است که حدود ۲ سال از زمان ازدواج آن‌ها می‌گذشت. از جامعه موردنظر، تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه، به صورت در دسترس، انتخاب شدند؛ بدین ترتیب که از میان مناطق ۲۲گانه شهرداری، دو منطقه ۲ و ۵ به صورت تصادفی انتخاب، سپس با مراجعه به اماکن عمومی، اعم از سراهای محله، مراکز خرید و درمانگاه‌ها، پرسش‌نامه‌ها به افراد متأهل جهت تکمیل داده شد. ابتدا اهداف پژوهش تشریح و انگیزه و موافقت لازم شرکت‌کنندگان برای همکاری جلب شد. پس از کسب رضایت آگاهانه، به سؤالات آن‌ها در زمینه‌های مرتبط با پژوهش پاسخ و سپس پژوهشگر به آن‌ها اطمینان داد که نتایج پرسش‌نامه‌ها محرمانه باقی خواهد ماند. برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی شامل

میانگین و انحراف معیار و برای تحلیل سؤال پژوهش، از ضریب هم‌بستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. سپس داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

۱. **مقیاس چندبعدی حسادت:**^{۳۱} این مقیاس ۲۴ سؤالی توسط پیفر و وونگ^{۳۲} (۱۹۸۹) ساخته شد که از ۲۴ سؤال و سه خرده‌مقیاس (رفتاری، شناختی و هیجانی) تشکیل شده که هر خرده‌مقیاس دارای ۸ سؤال بوده و بر اساس یک مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرتی نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالاتر از ۲۰ در هریک از خرده‌مقیاس‌ها بیان‌کننده حسادت مرضی می‌باشد. پایایی این آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های شناختی، عاطفی و رفتاری به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۵ و ۰/۸۹ به دست آمد (پیفر و وونگ، ۱۹۸۹). اعتبار خرده‌مقیاس‌ها به‌واسطه هم‌بستگی میان نمره‌های بار اول و بار دوم، با ضریب هم‌بستگی پیرسون سنجیده شد. تحلیل عاملی اجزای اصلی با استفاده از چرخش واریماکس به ترتیب سه عامل با مقدار ویژه ۷/۹۵، ۳/۲۷ و ۲/۸۲ را معلوم نمود. رحیمی و صنعت‌نما (۱۴۰۰) پایایی و اعتبار این پرسش‌نامه را روی نمونه ایرانی بررسی کردند و نتایج پژوهش آنان نشان داد که پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضرایب ۰/۸۳-۰/۹۴ به دست آمد. همچنین، در پژوهش یادشده برای بررسی روایی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که شاخص‌های برازش مدل و بارهای عاملی گویه‌ها در بازه مناسب تا مطلوبی قرار گرفتند. پایایی زیرمقیاس‌های شناختی، هیجانی و رفتاری در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۱ و پایایی کلی آن ۰/۸۷ به دست آمد.

مقیاس تجدیدنظرشده دلبستگی بزرگسالان:^{۳۳} این مقیاس ۱۸ سؤالی توسط کولینز و رید^{۳۴} (۱۹۹۰) ساخته شد که شامل خود-ارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود-توصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به نگاره‌های دلبستگی نزدیک است و از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای از نوع لیکرت اجرا می‌شود. سه زیرمقیاس عبارت‌اند از: وابستگی،^{۳۵} نزدیک‌بودن،^{۳۶} و اضطراب^{۳۷} (مالینکرودت^{۳۸} و همکاران، ۲۰۰۵). زیرمقیاس اضطراب، با دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا مطابقت دارد و زیرمقیاس نزدیک‌بودن، یک بعد دوقطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد. بنابراین نزدیک‌بودن در تطابق با دلبستگی ایمن می‌باشد و زیرمقیاس وابستگی را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. کولینز و رید (۱۹۹۰) نشان دادند که زیرمقیاس‌های نزدیک‌بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی دو ماه و حتی در طول هشت ماه پایدار ماندند و آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های این پرسش‌نامه را در نمونه‌ای ۱۳۰ نفری از دانشجویان، به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۸ و ۰/۸۵ درصد گزارش کردند. پایایی زیرمقیاس‌های دلبستگی در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و اضطرابی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۲ و ۰/۸۲ به دست آمد.

پرسش‌نامه خودمتمایزسازی:^{۳۹} این پرسش‌نامه در سال ۱۹۹۸ توسط اسکورن و فریدلندر با ۴۳ سؤال ساخته و به‌منظور سنجش سطح خودمتمایزسازی افراد به کار می‌رود. تمرکز اصلی آن بر روابط مهم زندگی و ارتباطات جاری افراد با خانواده اصلی آن‌هاست (اسکورن و اسمیت،^{۴۱} ۲۰۰۳). این پرسش‌نامه در یک طیف لیکرت شش‌گزینه‌ای درجه‌بندی شده است و از چهار خرده‌مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی،^{۴۲} گریز هیجانی،^{۴۳}

جایگاه من^{۴۴} و هم‌آمیختگی با دیگران^{۴۵} تشکیل شده است. اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳)، ضریب اعتبار کل آزمون را ۰/۹۲ برآورد کردند و یونسی (۱۳۸۵) این پرسش‌نامه را هنجاریابی و اعتبار آن را از طریق بازآزمایی و آلفای کرونباخ، برای کل مقیاس ۰/۸۵ و خرده‌مقیاس‌های واکنش‌پذیری هیجانی ۰/۷۷، جایگاه من ۰/۶۰، گریز هیجانی ۰/۶۵ و هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۷۵ برآورد کرد. پایایی زیرمقیاس‌ها در پژوهش حاضر، با روش آلفای کرونباخ، برای زیرمقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۰، ۰/۷۸ و ۰/۷۴ به دست آمده است.

بیان یافته‌ها

این پژوهش دارای ۲۰۰ نفر شرکت‌کننده از مناطق ۲ و ۵ در میان مناطق ۲۲گانه شهر تهران بود. همه شرکت‌کنندگان دارای تحصیلات دیپلم به بالا و متأهل بودند. در بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه، از لحاظ جنسیت، تعداد ۱۲۱ نفر زن و ۷۹ نفر مرد بودند. از لحاظ سن، ۴۵ نفر بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۵۲ نفر بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۱۰۳ نفر بین ۴۰ تا ۵۰ سال سن داشتند. از لحاظ تعداد فرزندان ۷۸ نفر یک فرزند، ۸۵ نفر دو فرزند و ۳۷ نفر سه فرزند داشتند. از لحاظ مدت‌زمان تأهل، ۸۹ نفر کمتر از ۱۰ سال و ۱۱۱ نفر بالای ۱۰ سال از ازدواجشان می‌گذشت. پیش از انجام آزمون سؤال پژوهش، ابتدا طبیعی بودن توزیع داده‌ها به وسیله «مناسب بودن شاخص کجی» مورد بررسی قرار گرفت. از آنجایی که مقادیر متغیرهای مورد بررسی در دامنه‌ای بین -۱ تا +۱ قرار دارند، بنابراین توزیع نمره‌ها در این متغیرها نرمال است. همچنین در این پژوهش، مفروضات تحلیل رگرسیون چندمتغیری مانند «فاصله‌ای بودن مقیاس متغیرها، خطی بودن روابط، نرمال بودن توزیع داده‌ها و نمرات خطا، یکسانی نقاط واریانس و استقلال متغیرهای پیش‌بین» مورد بررسی قرار گرفت که از نتایج مطلوبی برخوردار بودند؛ بنابراین پیش‌فرض‌های استفاده از تحلیل رگرسیون رعایت شده است. جدول ۱ اطلاعات توصیفی، از قبیل میانگین، انحراف معیار، بیشترین و کمترین نمره کسب‌شده مربوط به همه متغیرهای تحقیق را در آزمودنی‌ها نشان می‌دهد. در ادامه، در جدول ۲ ماتریس هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در کل نمونه

متغیرهای پژوهش	متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
دلبستگی	ایمن	۱۳/۱۲	۲/۹۵	۱	۲۰
	اجتنابی	۱۳/۷۷	۲/۴۳	۷	۲۰
	اضطرابی	۹/۳۱	۵/۲۹	۰	۲۲
سطوح خودمتمایزسازی	نمره کل خودمتمایزسازی	۱۵۲/۷۳	۷۸/۱۹	۸۲	۲۰۷
	واکنش‌پذیری عاطفی	۳۶/۱۹	۷/۵۱	۱۷	۵۷
	جایگاه من	۳۴/۸۳	۷/۰۸	۱۷	۵۶
	گریز هیجانی	۴۵/۲۵	۹/۶۳	۱۷	۷۱
	هم‌آمیختگی با دیگران	۳۶/۴۵	۷/۹	۱۷	۵۶
حسادت زناشویی	رفتاری	۱۵/۶۸	۵/۳۷	۸	۳۷
	شناختی	۱۱/۲۰	۵/۳۰	۸	۳۶
	هیجانی	۱۵/۰۹	۵/۳۷	۸	۳۵

جدول ۲: ماتریس هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	N	حسادت زناشویی	بعد شناختی	بعد عاطفی	بعد رفتاری
ایمن	۱۸۳	-۰/۳۶**	-۰/۳۵**	-۰/۱۶*	-۰/۳۲**
اجتنابی	۱۸۳	۰/۱۶*	۰/۱۳	۰/۱۹**	۰/۰۳
اضطرابی	۱۸۳	۰/۳۰**	۰/۳۸**	۰/۰۲	۰/۳۷**
واکنش‌پذیری عاطفی	۱۸۳	-۰/۲۴**	-۰/۲۶**	-۰/۰۵	-۰/۲۳**
جایگاه من	۱۸۳	۰/۰۰۶	۰/۱	-۰/۱۲	۰/۰۷
گریز هیجانی	۱۸۳	-۰/۳۶**	-۰/۳۴**	۰/۰۵	-۰/۴۳**
هم‌آمیختگی با دیگران	۱۸۳	-۰/۲۶**	-۰/۲۹**	۰/۰۲	-۰/۳۰**

(**) (***) سطح معنی‌داری به ترتیب در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها در جدول ۲، بین سبک دل‌بستگی ایمن با حسادت زناشویی، بعد شناختی حسادت زناشویی و بعد عاطفی و رفتاری حسادت زناشویی، هم‌بستگی معکوس و بین سبک دل‌بستگی اجتنابی با حسادت زناشویی و بعد عاطفی حسادت زناشویی هم‌بستگی مثبت وجود دارد؛ ولی بین دل‌بستگی اجتنابی با بعد شناختی و رفتاری حسادت زناشویی رابطه معناداری یافت نشد. همچنین بین سبک دل‌بستگی اضطرابی با حسادت زناشویی و بعد شناختی و رفتاری حسادت زناشویی هم‌بستگی مثبت وجود دارد؛ ولی با بعد عاطفی حسادت زناشویی رابطه معناداری یافت نشد.

همچنین بین سطح واکنش‌پذیری عاطفی با حسادت زناشویی، و بعد شناختی و رفتاری حسادت زناشویی هم‌بستگی معکوس معنادار وجود دارد، ولی بین سطح واکنش‌پذیری عاطفی با بعد عاطفی حسادت زناشویی رابطه معنادار یافت نشد. همچنین بین سطح جایگاه من با حسادت زناشویی و هیچ‌کدام از ابعاد آن، رابطه معناداری یافت نشد. بین سطح گریز هیجانی با حسادت زناشویی، بعد شناختی و رفتاری حسادت زناشویی هم‌بستگی معکوس معنادار وجود دارد، ولی بین سطح گریز هیجانی با بعد عاطفی حسادت زناشویی رابطه معنادار یافت نشد. بین سطح هم‌آمیختگی با دیگران با حسادت زناشویی، و بعد شناختی و رفتاری حسادت زناشویی هم‌بستگی معکوس معنادار وجود دارد، ولی بین سطح هم‌آمیختگی با بعد عاطفی حسادت زناشویی رابطه معنادار یافت نشد.

جدول ۳: نتایج رگرسیون بین سبک‌های دل‌بستگی و خودمتمایزسازی با حسادت

زناشویی به روش هم‌زمان

مقدار ثابت (a)		ضرایب رگرسیون (β) و (B)							نسبت F احتمال P	RS	MR	شاخص آماری متغیرهای پیش‌بین
		۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱				
۶۳/۷۵	B β t P	-۰/۴۴ -۰/۳۶ -۳/۳۱ ۰/۰۰۱	-۰/۴۳ ۰/۰۲۹ ۰/۲۷۲ ۰/۷۸۶	-۰/۳۰ -۰/۱۸ -۲/۳۷ ۰/۰۱۹	-۰/۰۰۹ ۰/۰۰۵ ۰/۰۰۵ ۰/۹۵۹	-۰/۲۳ -۰/۱۰ ۱/۳۳ ۰/۱۸۴	۰/۸۷ ۰/۱۷ ۲/۶۶ ۰/۰۰۸	-۰/۹۹ -۰/۲۴ -۳/۳۴ ۰/۰۰۱	F=۹/۴۲ P=۰/۰۱	-۰/۲۷	۰/۵۲	۱. ایمن ۲. اجتنابی ۳. اضطرابی ۴. واکنش‌پذیری عاطفی ۵. جایگاه خود ۶. هم‌آمیختگی با دیگران ۷. گریز هیجانی

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون هم‌زمان در جدول ۵، ضریب هم‌بستگی چندگانه برای ترکیب خطی سبک‌های دلبستگی و سطوح خودمتمایزسازی با بعد هیجانی حسادت زناشویی $MR=0/32$ و ضریب تعیین برابر $RS=0/10$ می‌باشد که در سطح $P<0/01$ معنی‌دار است و سبک دلبستگی ایمن با ضرایب رگرسیون استاندارد شده $(\beta=-0/19)$ و بعد از آن به ترتیب، مولفه جایگاه خود $(\beta=-0/174)$ و سبک دلبستگی اجتنابی $(\beta=0/17)$ بیشترین نقش را در پیش‌بینی بعد هیجانی حسادت زناشویی دارند. ولی هیچ‌کدام از ابعاد سبک دلبستگی اضطرابی، واکنش‌پذیری عاطفی، هم‌آمیختگی با دیگران و گریز عاطفی توانایی پیش‌بینی بعد هیجانی حسادت زناشویی ندارند.

جدول ۶: نتایج رگرسیون بین سبک‌های دلبستگی و خودمتمایزسازی با بعد رفتاری حسادت زناشویی به روش هم‌زمان

مقدار ثابت (a)	B	ضرایب رگرسیون (β) و (B)							نسبت F احتمال P	RS	MR	شاخص آماری
		۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱				متغیرهای پیش‌بین
۲۸۵۱	B β t P	-۰/۲۷	-۰/۰۱۹	-۰/۱۰	-۰/۰۸۵	-۰/۱۶۳	-۰/۱۱۱	-۰/۲۹	F=۹/۵۰ P=۰/۰۰۰۱	۰/۲۷	۰/۵۲	۱. ایمن
		-۰/۴۸	-۰/۰۲۸	-۰/۱۳	۰/۱۱۹	-۰/۱۶	-۰/۰۵	-۰/۱۶۳				۲. اجتنابی
		-۰/۴۴	۰/۲۶۷	-۰/۷۱	۰/۱۳	۰/۰۲	-۰/۷۴۹	-۰/۱۱۹				۳. اضطرابی
		۰/۰۰۰	۰/۷۹	۰/۰۸۹	-۰/۳۵۹	۰/۰۴۵	-۰/۴۵۵	۰/۰۲۹				۴. واکنش‌پذیری عاطفی
												۵. جایگاه خود
												۶. هم‌آمیختگی با دیگران
												۷. گریز هیجانی

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون هم‌زمان در جدول ۶، ضریب هم‌بستگی چندگانه برای ترکیب خطی سبک‌های دلبستگی و سطوح خود-متمایزسازی با بعد رفتاری حسادت زناشویی $MR=0/52$ و ضریب تعیین برابر $RS=0/27$ می‌باشد که در سطح $P<0/0001$ معنی‌دار است و گریز هیجانی با ضرایب رگرسیون استاندارد شده $(\beta=-0/48)$ و بعد از آن به ترتیب، سبک دلبستگی ایمن $(\beta=-0/163)$ و سبک دلبستگی اضطرابی $(\beta=0/16)$ بیشترین نقش را در پیش‌بینی بعد رفتاری حسادت زناشویی دارد. ولی هیچ‌کدام از ابعاد سبک دلبستگی اجتنابی، واکنش‌پذیری عاطفی، هم‌آمیختگی با دیگران و جایگاه خود توانایی پیش‌بینی بعد رفتاری حسادت زناشویی را ندارند.

با مقایسه نتایج، می‌توان بر اساس سبک‌های دلبستگی و سطوح خودمتمایزسازی، بعد رفتاری حسادت زناشویی را بیشتر و بعد هیجانی را کمتر پیش‌بینی کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تعیین روابط ساده و چندگانه سطوح خودمتمایزسازی و سبک‌های دلبستگی با حسادت زناشویی بود. نتایج نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی با حسادت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. به این صورت که حسادت زناشویی با سبک دلبستگی ایمن رابطه منفی و با سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی رابطه مثبتی دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های مارازیتی و همکاران (۲۰۱۰)، مارشال و همکاران (۲۰۱۳) و رودریگز و همکاران (۲۰۱۵) هم‌سو و هماهنگ می‌باشد. در

تبیین این یافته می‌توان گفت افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، به دلیل داشتن شخصیت سالم‌تر، از سلامت روان بیشتری برخوردارند و در تعاملات خود از رفتاری مناسب و پخته برخوردار بوده، عواطف خود را تعدیل کرده و آن‌ها را در روابط اجتماعی تنظیم می‌کنند؛ بنابراین این افراد در روابط بین‌فردی پخته عمل می‌کنند. شایستگی اجتماعی بالای آن‌ها باعث می‌شود که حسادت زناشویی کمتری داشته باشند. در مقابل، افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی، از نزدیک شدن به دیگران احساس ناراحتی می‌کنند و نمی‌توانند به‌طور کامل به دیگران اعتماد کنند. این افراد نمی‌توانند به خودشان اجازه دهند که به دیگران تکیه کنند. این‌گونه افراد الگوی ضعیفی از رابطه خود با دیگران دارند و ادعا می‌کنند به رابطه با دیگران نیازی ندارند و از رابطه صمیمی اجتناب می‌کنند (اینزورث و همکاران، ۲۰۱۵).

وجود رابطه مثبت ضعیف بین حسادت زناشویی و سبک دلبستگی اضطرابی نشان از این دارد که در این افراد، احساس یکنواختی بودن با همسر بسیار بالاست و در نتیجه باعث ناراحتی و دوری طرف مقابل می‌گردند. ممکن است برای این افراد حسادت، همانند یک مکانیسم دفاعی عمل کند که بر محدود کردن استقلال و جدایی‌طلبی شریکشان متمرکز است (بیلوس^{۴۶} و همکاران، ۲۰۱۴). این افراد در هنگام به‌وجود آمدن مشکل یا مسئله‌ای در رابطه زناشویی، مهارت‌های مقابله‌ای کمتری دارند. در نتیجه، بعد احساسی حسادت زناشویی در آن‌ها تحریک شده و باعث آشفتگی‌شان می‌شود؛ سپس تصور خیانت می‌کنند (بعد شناختی حسادت زناشویی). در نتیجه، به‌صورت برخورد فیزیکی یا خشونت شدید نشان داده می‌شود (بعد رفتاری حسادت زناشویی) (الفینستون^{۴۷} و همکاران، ۲۰۱۳).

همچنین نتایج حاکی از آن است که ابعاد خودمتمایزسازی شامل واکنش‌پذیری عاطفی، هم‌آمیختگی با دیگران، گریز هیجانی و جایگاه خود با حسادت زناشویی رابطه معناداری دارند. به این صورت که بعد جایگاه خود با حسادت زناشویی رابطه مثبت و سه بعد دیگر رابطه منفی داشتند. بدین صورت که افراد با حسادت زناشویی بالاتر، جایگاه خود بالا و واکنش‌پذیری عاطفی، هم‌آمیختگی با دیگران و گریز هیجانی پایین و در کل تمایز یافتگی پایینی دارند. این یافته با نتایج پژوهش‌های لانس و همکاران (۲۰۱۴) و لیکانی و همکاران (۲۰۱۷) هم‌سو و هماهنگ است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت خودمتمایزسازی ملاکی برای بلوغ هیجانی و نوعی توانایی برای مسئولیت‌پذیری فردی است و افراد تمایز یافته هنگامی که از لحاظ فیزیکی و هیجانی در کنار سایرین هستند، قادرند احساس روشن و مشخصی از خود داشته باشند، قادرند اضطراب خود را تعدیل کنند (خود - تسکینی)، در برابر اضطراب دیگران واکنشی برخورد نمی‌کنند و تمایل دارند برای رشد، ناملایماتی را تحمل کنند (کریکاک^{۴۸} و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین این افراد تصمیم‌ها و عکس‌العمل‌های خود را بر اساس مجموعه‌ای رشدیافته از باورها و اصول درونی بنا می‌کنند که درباره‌شان به‌دقت فکر کرده و در موقعیت‌های واقعی زندگی‌شان می‌آزمایند. در نتیجه، این افراد تفاوت‌ها با دیگران را بدون فشار هیجانی شدید می‌پذیرند، به تصمیمات خود عمل کرده و مسئولیت پیامدهای آن‌ها را بدون سرزنش دیگران و قربانی‌انگاشتن خود یا مورد کنترل قرار گرفتن توسط دیگران می‌پذیرند (کریکاک و همکاران، ۲۰۱۲). در مقابل، افرادی که خودمتمایزسازی پایینی دارند، بی‌ثباتی، قدرت‌پذیرش فردیت پایین، صمیمیت ضعیف با اعضای خانواده، اضطراب و رفتارهای کلیشه‌ای و خشک را به نمایش می‌گذارند. آن‌ها دارای اختلال و

آشفستگی روانی هستند (مون و کیم، ۲۰۲۱)^{۴۹}؛ در نتیجه، پیش‌بینی می‌شود حسادت زناشویی بالایی داشته باشند.

با توجه به اینکه توانایی پیروی اندیشمندانه از اعتقادات شخصی و ابراز وجود در افراد با سطح خودمتمایزسازی بالا بیشتر است، لذا نمره بالاتری در مؤلفه «جایگاه من» کسب می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز رابطه مثبت و معناداری بین جایگاه من و حسادت زناشویی وجود داشت. افرادی که حسادت زناشویی بالایی دارند، در دیگر ابعاد خودمتمایزسازی، از جمله در زمینه حفظ آرامش در پاسخ‌گویی (واکنش عاطفی)، نگرانی راجع به درگیری عاطفی حل‌نشده (گریز هیجانی) و درگیری عاطفی زیاد با افراد مهم و وابستگی زیاد به آن‌ها (هم‌آمیختگی با دیگران) نمره پایینی کسب کردند. در نتیجه، رابطه منفی معناداری میان حسادت زناشویی و ابعاد مذکور مشاهده گردید. در تبیینی دیگر، می‌توان گفت افرادی که حسادت زناشویی بالایی دارند، اضطراب به‌صورت کلی و اضطراب در تصمیم‌گیری به‌صورت خاص دارند. این افراد تصمیماتشان را بر اساس اجتناب از تعارض می‌گیرند. این‌گونه افراد توانایی تعدیل اضطراب خود را ندارند؛ در نتیجه، در برابر دیگران به‌صورت واکنشی برخورد می‌کنند؛ به همین دلیل، بعد رفتاری حسادت زناشویی در آن‌ها پررنگ‌تر است.

با توجه به اینکه افراد با حسادت زناشویی بالا می‌خواهند خود را ابراز کنند و به طرف مقابل با عصبی شدن و تهدید به قتل و خشونت زیاد (بعد رفتاری حسادت زناشویی) فشار بیاورند، لذا در این‌گونه افراد، جایگاه من (خود) بالاتر و در نتیجه قابلیت پیش‌بینی‌پذیری بیشتری دیده می‌شود (هیومن - وگل و راب، ۲۰۱۵). گریز هیجانی باعث می‌شود فرد نگرانی ناشی از درگیری عاطفی با دیگران و خانواده را با دفاع‌های رفتاری ابراز نماید که از دیگران فاصله می‌گیرد و در نتیجه گریز هیجانی به میزان بیشتری بعد رفتاری حسادت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند.

همچنین نتایج نشان داد که سبک دلبستگی اضطرابی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای بعد شناختی حسادت زناشویی می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های مارشال و همکاران (۲۰۱۳) و گوررو (۲۰۱۴) هم‌سو و هماهنگ است که نشان دادند دلبستگی اضطرابی به‌صورت مثبت و معناداری پیش‌بینی‌کننده حسادت شناختی است. افراد دلبسته اضطرابی الگوی ذهنی ضعیفی از رابطه با دیگران دارند و خود را نیازمند برقراری رابطه صمیمی با دیگران دانسته و نسبت به همسر کنترل و چسبندگی افراطی دارد (سالکانی، ۲۰۱۵)^{۵۱} و همین مسئله، حسادت زناشویی بالا (در بعد شناختی) را در آن‌ها توجیه می‌کند. در واقع، کمترین نشانه بی‌توجهی، زنگ خطری تفسیر می‌شود و فرد ممکن است خود را در کانون توجه همسر احساس نکرده و حسادت را نسبت به فرد یا شیء مورد توجه برانگیزاند. همچنین سبک دلبستگی ایمن بیشترین نقش را در پیش‌بینی بعد هیجانی حسادت زناشویی دارد (نتایج این یافته با نتایج پژوهش‌های ذکرشده در یافته قبلی هماهنگ است). افرادی که دلبسته ایمن هستند، در پاسخ‌گویی به نیازهایشان حس اعتماد و امنیت بالایی دارند و در تجربه‌های بین‌فردی بسیار خوب عمل می‌کنند (هایلن^{۵۲} و همکاران، ۲۰۱۶)؛ لذا این افراد احساس خشم و عصبانیت ناشی از حسادت زناشویی را بهتر کنترل می‌کنند. از طرفی، نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی اجتنابی و بعد هیجانی حسادت زناشویی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (نتایج این یافته با نتایج پژوهش‌های ذکرشده در یافته قبلی هماهنگ است). در نهایت، به‌صورت اجمالی، بنا بر نتایج پژوهش

حاضر، به نظر می‌رسد مجموعه متغیرها، یعنی سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی، و اضطرابی) و سطوح خودمتمایزسازی (واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه خود، هم‌آمیختگی با دیگران و گریز هیجانی) بیشتر بعد رفتاری و کمتر بعد هیجانی حسادت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند.

بدون شک، پژوهش حاضر دارای یک‌سری محدودیت‌ها، از جمله حجم نمونه اندک است. به همین دلیل، ممکن است نتایج آن تعمیم‌پذیر به جامعه بزرگ‌تر نباشد. به این دلیل که در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است، در مقایسه با پژوهش‌هایی با روش‌های نمونه‌گیری تصادفی، باید در تعمیم نتایج به جامعه احتیاط کرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، این محدودیت‌ها برطرف شود. همچنین در حیطه پیشنهاد‌های کاربردی نیز پیشنهاد می‌شود که در مشاوره‌های قبل از ازدواج و زوج‌درمانی، به سبک دلبستگی زوج‌ها توجه شود، میزان خودمتمایزسازی افراد مورد توجه قرار گیرد و در صورت پایین‌بودن آن، آموزش‌های لازم برای افزایش سطح خودمتمایزسازی ارائه شود.

سیاسگزاری

در پایان از تمامی شهروندان مناطق ۲ و ۵ شهر تهران که در این مطالعه شرکت کردند، قدردانی می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Martínez-León, Peña, Salazar, García, & Sierra
2. Newberry
3. Dandurand & Lafontaine
4. Marital Jealousy
5. Attridge
6. Uzun
7. Pichon, Treves-Kagan, Stern, Kyegombe, Stöckl, & Buller
8. Priolo Filho, Padovani, & Williams
9. Kemer, Bulgan, & Yildız
10. Fernandez
11. Guerrero
12. Himawan
13. Tagler, & Gentry
14. Self-Differentiation
15. Bowen
16. Lahav, Stein, & Solomon
17. Rodríguez - González, Skowron, Cagigal de Gregorio, & Muñoz San Roque
18. Biadsy-Ashkar & Peleg
19. Fatter & Hayes
20. Lampis, Cataudella, Busonera, & Skowron
21. Lans, Mosek, & Yagil
26. Jones, Brett, Ehrlich, Lejuez, & Cassidy
27. Marganska, Gallagher, & Miranda
28. Marazziti, Consoli, Albanese, Laquidara, Baroni, & Dell'Osso
29. Marshall, Bejanyan, Di Castro, & Lee
30. Rodriguez, Dibello, Overup, & Neighbors
31. Multidimensional Jealousy Scale
32. Pfeiffer & Wong
33. Revised Adult Attachment Scale
34. Collins & Read
35. Dependency
36. Closeness
37. Anxiety
38. Mallinckrodt, Porter, & Kivlighan
39. Differentiation of Self Inventory
40. Skowron & Friedlander
41. Schmitt
42. Emotional Reactivity
43. Emotional Cutoff
44. I Position
45. Fusion with other
46. Belus, Wanklyn, & Pukay-Martin
47. Elphinston, Feeney, Noller, Connor, & Fitzgerald

- | | |
|-----------------------------------------------|-----------------------------------------|
| 22. Likcani, Stith, Spencer, Webb, & Peterson | 48. Krycak, Murdock, & Marszalek |
| 23. Holmes | 49. Moon & Kim |
| 24. Ainsworth, Blehar, Waters, & Wall | 50. Human-Vogel & Rabe |
| 25. Oshri, Sutton, Clay-Warner, & Miller | 51. Salcuni |
| | 52. Hainlen, Jankowski, Paine & Sandage |

منابع

- رحیمی، چ.، و صنعت‌نما، م. (۱۴۰۰). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه حسادت چندبعدی در نمونه ایرانی. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۲۰(۱۰۰)، ۴۸۵-۴۹۲.
- یونسی، ف. (۱۳۸۵). *هنجار یابی و تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون خودمتمایزسازی در بین افراد ۳۰-۲۵ ساله*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. N. (2015). *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. London: Psychology Press.
- Attridge, M. (2013). Jealousy and relationship closeness: exploring the good (reactive) and bad (suspicious) sides of romantic jealousy. *Sage Open*, 3(1), 1-16.
- Belus, J. M., Wanklyn, S. G., & Pukay-Martin, N. D. (2014). Do anger and jealousy mediate the relationship between adult attachment styles and intimate violence perpetration? *Partner Abuse*, 5(4), 388-406.
- Biadisy-Ashkar, A., & Peleg, O. (2013). The relationship between differentiation of self and satisfaction with life amongst Israeli women: A cross cultural perspective. *Health*, 5(9), 1467-1477.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models and relationship quality in dating couples. *Journal of personality and social psychology*, 58(4), 644-663.
- Dandurand, C., & Lafontaine, M. F. (2014). Jealousy and Couple Satisfaction: A Romantic Attachment Perspective. *Marriage & Family Review*, 50(2), 154-173.
- Elphinston, R., Feeney, J., Noller, P., Connor, J., & Fitzgerald, J. (2013). Romantic jealousy and relationship satisfaction: The costs of rumination. *Western Journal of Communication*, 77(3), 293-304.
- Fatter, D. M., & Hayes, J. A. (2013). What facilitates countertransference management? The roles of therapist meditation, mindfulness and self-ifferentiation. *Psychotherapy Research*, 23(5), 502-513.
- Fernandez, A. M. (2014). *Sex differences in jealousy: not an artifact of attachment style in a novel population*. In XXII Biennial International Conference on Human Ethology At: Federal University of Para, Belem, Brazil.
- Guerrero, L. K. (2014). Jealousy and relational satisfaction: Actor effects, partner effects and the mediating role of destructive communicative responses to jealousy. *Western Journal of Communication*, 78(5), 586-611.
- Hainlen, R. L., Jankowski, P. J., Paine, D. R., & Sandage, S. J. (2016). Adult attachment and well-being: Dimensions of differentiation of self as mediators. *Contemporary Family Therapy*, 38(2), 172-183.

- Himawan, K. K. (2017). Jealousy and relationship satisfaction among Indonesian dating adults. *PsyCh journal*, 6(4), 328-329.
- Holmes, J. (2014). *The search for the secure base: Attachment theory and psychotherapy*. London: Routledge.
- Human-Vogel, S., & Rabe, P. (2015). Measuring self-differentiation and academic commitment in University students: A case study of education and engineering students. *South African Journal of Psychology*, 45(1), 60-70.
- Jones, J. D., Brett, B. E., Ehrlich, K. B., Lejuez, C. W., & Cassidy, J. (2014). Maternal attachment style and responses to adolescents' negative emotions: The mediating role of maternal emotion regulation. *Parenting*, 14(3-4), 235-257.
- Kemer, G., Bulgan, G., & Yıldız, E. Ç. (2016). Gender differences, infidelity, dyadic trust, and jealousy among married Turkish individuals. *Current Psychology*, 35(3), 335-343.
- Krycak, R. C., Murdock, N. L., & Marszalek, J. M. (2012). Differentiation of self, stress and emotional support as predictors of psychological distress. *Contemporary family therapy*, 34(4), 495-515.
- Lahav, Y., Stein, J. Y., & Solomon, Z. (2016). Keeping a healthy distance: Self-differentiation and perceived health among ex-prisoners-of-war's wives. *Journal of psychosomatic research*, 89, 61-68.
- Lampis, J., Cataudella, S., Busonera, A., & Skowron, E. A. (2017). The Role of Differentiation of Self and Dyadic Adjustment in Predicting Codependency. *Contemporary Family Therapy*, 39(1), 62-72.
- Lans, O., Mosek, A., & Yagil, Y. (2014). Romantic jealousy from the perspectives of Bowen's concept of differentiation and gender differences. *The Family Journal*, 22(3), 321-331.
- Likcani, A., Stith, S., Spencer, C., Webb, F., & Peterson, F. R. (2017). Differentiation and intimate partner violence. *The American Journal of Family Therapy*, 45(5), 235-249.
- Mallinckrodt, B., Porter, M. J., & Kivlighan Jr, D. M. (2005). Client attachment to therapist, depth of in-session exploration, and object relations in brief psychotherapy. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training*, 42(1), 85-100.
- Marazziti, D., Consoli, G., Albanese, F., Laquidara, E., Baroni, S., & Dell'Osso, M. C. (2010). Romantic attachment and subtypes/dimensions of jealousy. *Clinical practice and epidemiology in mental health: CP & EMH*, 6, 53-58.
- Marganska, A., Gallagher, M., & Miranda, R. (2013). Adult attachment, emotion dysregulation, and symptoms of depression and generalized anxiety disorder. *American Journal of Orthopsychiatry*, 83(1), 131-141.
- Marshall, T. C., Bejanyan, K., Di Castro, G., & Lee, R. A. (2013). Attachment styles as predictors of Facebook-related jealousy and surveillance in romantic relationships. *Personal Relationships*, 20(1), 1-22.
- Martínez-León, N. C., Peña, J. J., Salazar, H., García, A., & Sierra, J. C. (2017). A systematic review of romantic jealousy in relationships. *Terapia Psicológica*, 35(2), 203-212.
- Moon, W. H., & Kim, J. Y. (2021). Stress and depression in the Korean college students: Mediated effects of self-differentiation and self-efficacy. In *Bio-inspired Neurocomputing* (pp. 151-161). London: Springer.

- Nazarzadeh, R. S., & Ehteshamzadeh, P. (2014). Study of Reliability & Validity of Communicative Responses to Jealousy in Ahwaz City Women. *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, 3(3), 445-453.
- Newberry, M. A. (2010). *The positive and negative effects of jealousy on relationship quality: A meta-analysis*. Master thesis, University of North Florida. UNF Graduate Theses and Dissertations.
- Oshri, A., Sutton, T. E., Clay-Warner, J., & Miller, J. D. (2015). Child maltreatment types and risk behaviors: Associations with attachment style and emotion regulation dimensions. *Personality and Individual Differences*, 73, 127-133.
- Pfeiffer, S. M., & Wong, P. T. P. (1989). Multidimensional jealousy. *Journal of Social and Personal Relationships*, 6(2), 181-196.
- Pichon, M., Treves-Kagan, S., Stern, E., Kyegombe, N., Stöckl, H., & Buller, A. M. (2020). A mixed-methods systematic review: infidelity, romantic jealousy and intimate partner violence against women. *International journal of environmental research and public health*, 17(16), 5682-5717.
- Priolo Filho, S. R., Padovani, R. D. C., & Williams, L. C. D. A. (2019). Jealousy and anxiety in male domestic abusers: A comparative study. *Estudos de Psicologia (Campinas)*, 36, 1-10.
- Rahimi, C., Sanatnama, M. (2021). Psychometric properties of the multidimensional jealousy scale in an Iranian sample. *Journal of Psychological Sciences*, 20(100), 503-510 [in Persian].
- Rodriguez, L. M., Dibello, A. M., Overup, C. S., & Neighbors, C. (2015). The price of distrust: Trust, anxious attachment, jealousy, and partner abuse. *Partner abuse*, 6(3), 298-319.
- Rodríguez-González, M., Skowron, E. A., Cagigal de Gregorio, V., & Muñoz San Roque, I. (2016). Differentiation of Self, Mate Selection, and Marital Adjustment: Validity of Postulates of Bowen Theory in a Spanish Sample. *The American Journal of Family Therapy*, 44(1), 11-23.
- Salcuni, S. (2015). New frontiers and applications of attachment theory. *Frontiers in psychology*, 6, 273.
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of counseling psychology*, 45(3), 235.
- Skowron, E. A., & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of marital and family therapy*, 29(2), 209-222.
- Sohrabi, R., Asadi, M., Habibollahzade, H., & PanaAli, A. (2013). Relationship Between Self-differentiation in Bowen's family Therapy and Psychological Health. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84, 1773-1775.
- Tagler, M. J., & Gentry, R. H. (2011). Gender, jealousy, and attachment: A (more) thorough examination across measures and samples. *Journal of Research in Personality*, 45(6), 697-701.
- Uzun, G. Ö. (2019). A Review of Romantic Jealousy in Married People in Terms of Family Education. *Education in the knowledge society (EKS)*, 20, 29-38.
- Yoonesi, F. (2006). *Normization and determination of psychometric characteristics of Differentiation of Self Inventory among people aged 25-30*. Master thesis in Counseling, Allameh Tabatabai University [in Persian].